

تقدیر، مضمون

با تقدیر
مهندس میرحسین موسوی

به کوشش
مهندس مهدی مکی‌نژاد (شکاری)
مهندس محمدحسن اخوان صدیقی

دیباچه ۵
مقدمه ۷
گزارش معماری بنای یادبود شهیدای هفتم تیر ۱۷
بخش اول: آماده‌سازی ۱۹
پیش‌زمینه ۲۱
تئوری‌پردازی ۲۲
بخش دوم: فضاهای داخلی ۲۳
کلیات ۲۵
کند بزرگ ۲۵
کندهای کوچک ۲۷
راهروها ۲۸
سینما ۲۸
پنج‌وجهی قوی ۲۸
درهای چوب و فلزی ۲۸
رسم‌نمایی‌ها ۲۸
بخش سوم: فضاهای خارجی ۲۹
ایوان ورودی سطح شمالی ۳۱
ورودی سطح جنوبی ۳۱
ایوان سطح غربی ۳۱
ورودی شمالی سطح غربی ۳۱
ورودی سطح غربی ۳۲
حاشیها ۳۲
آبنماهای سنگی ۳۲
بخش چهارم: مواد و مصالح تزئینی ۳۵
کاشی ۳۷
آجر ۳۸
سفال ۳۸
سنگ ۳۸
گل ۳۸
انرژی‌های فعال: دفتر حزب جمهوری اسلامی (مقتضی‌میر) (۱۳۶۰)

دیباچه

در تاریخ هر منی فراز و نشیب‌های فراوان می‌توان یافت؛ لحظه‌ها و روزهایی که سرنوشت آن ملت را رقم زده است. در تاریخ انقلاب اسلامی ایران نیز، هفتم تیرماه یکپهزار و سیصد و شصت یکی از این روزهای سرنوشت‌ساز است. روزی که آیت‌الله دکتر سید محمدحسینی بهشتی، و هفتاد و دو تن از خدمتگزاران راستین این مرز و بوم، در آنجارج دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند. دو ماه بعد، در هشتم شهریور ماه همان سال، جنایت هولناک دیگری در دفتر نخست‌وزیری منجر به شهادت دو تن از همفکران و هم‌زمان دیگر آن شهید والامقام، رئیس‌جمهور محبوب شهید محمدعلی رجایی و نخست‌وزیر دانشمندش شهید آیت‌الله دکتر محمدجواد باهنر شد. و پس از آن سلسله شهادت‌ها ر توطئه‌ها بر علیه ملتی که تنها گامش این بود که آزادی و استقلال را پاس می‌داشت و حکومتی بر بنیان دین خود می‌نواست، آغاز شد.

مزار این شهیدان گراندرد، که هر کدام برگهای زرین تاریخ این ملت مظلوم اما مقاوم هستند، در بهشت‌زهره در کنار کاروان دیگر شهیدانی کنه پیش و پس از آنان آمدند قرار دارد. ده سال پس از این دوران خونین اما درخشان، همت والای دوستان و یاران برجای مانده از این کاروان بزر این افتاد کنه آرامگاهی بنا کنند تا شایسته جایگاه رفیع و الهی این قافله عاشرایی و پادمان حماسه جاودشان باشد. در این میان از همه مهم‌تر ویژگی برجسته‌ای بود که چنین بنایی باید داشته باشد: همزیستی آگاهانه سنت و تجدد، دیروز و امروز، دین و دنیا. در زمینه‌ای از معنویت، باید بنایی برپا می‌شد که هیچ نقضایی در آن نایجا و بیپرده نباشد. باید آمیزه‌ای از استحکام و زیبایی با کمترین گرایش به تجمل و هویته‌های گراف پدید می‌آمد که نشانگر راه و آرمان شهیدان خفته در آن باشد. این بود که با تلاشی در خور ستایش، پس از چند سال، آرامگاه این شهیدان گراندرد سر از خاک کنگون بهشت‌زهره برآورد و مقصد و سآوری هزاران زائری شد که عاشقانه به تجلید میناق با آرزوی بزرگ همه شهیدان می‌شنابند.

بقعه هفتم با هدف نشان دادن گام‌های بلند همه عزیزانی که در بر پایی این پادمان جاوید برانشته‌اند به زیور طبع آراسته شده است. به زعم ما بقعه هفتم می‌تواند برگی به یاد ماندنی در تاریخ معماری این مرز و بوم نیز باشد و نشانگر تلاشی که در راستای آشتی سنت و تجدد شکل گرفته. بر ماست کنه از طرح محترم ابن بنای یادبود آقای مهندس میرحسین موسوی، مدیر پشتیبانی، حجةالاسلام دکتر جواد لاری، مدیر اجرایی، آقای مهندس محمدحسین اخوان صدیقی و مهندس عبدیان که در تهیه اطلاعات متن و مهندسی بنا همکاری نزدیک داشته، آقای مهدی مکی‌نژاد (شکاری) و خانم زهرا موسوی که تدوین و

پروازش نهایی متن را بر عهده داشته‌اند؛ و همه دست‌اندرکاران باتام و کمنامی که ذکر نام آنان در اینجا مقدور نیست و در همه مراحل شکل‌گیری این کتاب دست باری ما را ضمیمه‌مانه فشرده‌اند. تشکر کنیم همچنین از آقای حمیدرضا رحمانی طراح و گرافیکست و آقای مسعود جزمی که با تصاویر زیبای خویش این دفتر را مزین ساختند، جناب استاد سید محمد اخصایی که با خطّ زیبای خود به غنای این مجموعه افزودند، سرکار خانم الهه محبی که ویرایش ادبی متن حاضر را بر عهده گرفتند؛ و بالاخره همت والای سازمان میراث فرهنگی کشور که در مرحله چاپ و نشر کتاب حاضر یاری‌دریغ ما نبوده‌اند. سپاسگزاری می‌کنیم. امید آنکه مقبول درگاه احدیت و مقبول نظر خوانندگان گرامی قرار گیرد.

بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

مقدمه

طراحی و ساخت یادبودی گویا و متناسب برای شهدای گرانقدر هفت تیر و هشت شهریور، در سال ۱۳۳۹ مطرح شد و عده‌ای این طرح را به طور جدی پیگیری کردند.

در این قطعه به مناسبت روزهای هفتم تیر و هشتم شهریور برنامه‌هایی اجرا می‌شد و این قطعه به‌عنوان نمادی از مطلوبیت انقلاب و ارزش‌های آن محسوب می‌گشت و مهم‌تر آنکه، این بخش به قطعات دیگری متصل می‌شد که دهها هزار شهید انقلاب در آن آرمیده بودند.

طراحی بنا به اینجانب واگذار شد و از آنجا که تقریباً با همه شهدای این قطعه دوست، آشنا و همکار بودم، طراحی این مجموعه برابم جنبه عاطفی داشت. علاوه بر آن، سال ۶۹ بود و آن روزها حال و هوای خاصی داشت و در هر کوچه و بازار، عطر خون شهدا جاری و ساری بود. شهدا، خونین پال و سرفراز به نقای محبوب شناخته بودند و قلب‌ها و روان‌های خالصی بودند که با حسرت و غیظه به لحظاتی می‌اندیشیدند که سمند شهادت بی آن‌که به آنان زکاب دهد از کنارشان گذشته بود. اسرا هنوز در بند بودند، جای خالی آن‌ها و فقدان شهدا قلب‌ها را می‌فشرد. در سلسله مراتب منزلت‌های اجتماعی، خانواده شهدا در رأس بودند و افتخار می‌کردند که عزیزان خود را در راه اسلام از دست داده‌اند. تلقی عمومی از شهادت، فوت و از دست رفتن نبود. طبیعی بود که به خانواده‌ها به دلیل شهادت عزیزانشان نهیت و شادباش نگویند، مگر چه اتفاقی افتاده بود جز نقای دوست و ارتحال به سربازی که حیات واقعی در آنجاست و روزی پاک در قصه «مقصد صدق ملیک، مقصدروز؟ باور همگان این بود که شهدا زنده‌ترین زندگان هستند و سر مست از شراب ظهور پروردگار. همه این حال و هوای خاص، تفکرات و عواطف می‌باید با ظرافت و دقت در طراحی بنای یادبود شهدا تجسم می‌یافت.

در شیوه نقادی امروز یکی از مباحث اساسی، میزان نقش پدیدآورنده و انعکاس شخصیت و تکرش ویژه او در اثر است. اما گاه بعضی از آثار را مستقل از پدیدآورنده بررسی می‌کنند و اثر را حاصل جریانات و دگرگونی‌های خاص اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. طرح آرامگاه شهیدان هفتم تیر نمونه قابل توجهی برای این نظرات است. در بیان نهایی این طرح، نقش طراح خرد و کوچک است و شاید بتوان گفت در شرایطی که شرح آن رقت، سادترین هنر طراح این بود که صادقانه درجه‌های روح و اندیشه و حس خود را در مقابل آن موج عظیم و لطیف اجتماعی و فرهنگی به‌طور کامل بگشاید و خود را تماماً بدان جریان نیرومند بسپارد. آنچه در این زمینه می‌توانست حتی برای هنرمند مشکل‌آفرین باشد، ضعف‌های فردی و رسوبات و پیشداوری‌های ذهنی و حتی منافع بود که می‌توانست به مانند فیلتر و مانع در مقابل تأثیرپذیری ذهن و جان از این جریان قوی معنوی عمل نمایند. اما خوشبختانه آن فضای خاص سرشار از معنویت از آنچنان قدرتی برخوردار بود که می‌توانست در همه اذهان مؤثر باشد. به‌عنوان طراح بنا گمان می‌کنم بنا این مقدمه اجسالی خواننده این نوشته جدس بزند که شخصیت معمارانه این بنا چگونه شکل گرفت.

در بعضی از تمدن‌ها گورستان‌ها محرف ساخته می‌شوند. دنیای ماوراء زندگی، دنیایی زیرزمینی، سیاه، ترسناک و مهیب است. برای آنان‌که به آخرت اعتقادی ندارند مرگ از یکسو حتمی و از سوی دیگر نقطه پایان همه چیز است. به همین دلیل در سراسر جهان، آرامگاه‌های بسیاری را می‌توان یافت که در فضایی سنگین و اندوهناک، مملو از ظلمت و بی‌سرنجامی، شخصیت‌های بزرگ را در خود آریمده دارند. گویی سرنوشت چنین رزم زده شده است که انسان در یک نقطه با مانعی فطعی و سرسخت و بدون امکان عبور مواجه شود و در یک لحظه، همه جلوه‌های حیات در فاجعه‌ای که از آن گریزی نیست متوقف شود. این نوع آرامگاه‌ها، نماد سکون و التجماد و ترس بی‌پایان انسان در برخورد با سنگ خارای مرگ هستند. و فضاهای این گورستان‌ها و آرامگاه‌ها انسان‌ها را به ترسی همراه با خشوع و ذلت در مقابل سرنوشتی فطعی و تاریک فرا می‌خوانند. آرامگاه نه جای نذکر است و نه جای اندیشیدن به جریان پیوسته حیات در ماورای مرگ و نه اندیشه در راز و رمز هستی. اما تلقی مسلمان ازمرگ نه نقطه پایانی برای همه چیز، بلکه شروع یک مرحله جدید است. قبور جایگاه نذکر است؛ نذکر بر خود و برای کسانی که از یلی مرگ عبور کرده به سمت بی نهایت روانه و سازی و جاری شده‌اند. علاوه بر آن، در چشم مسلمانان همه مرگ‌ها یکسان نیستند و یک مسلمان در وهله اول با تکیه بر احادیث مشهور "موتوا قبل ان تموتوا" و یا "اناس نیام فاذا ماتوا ماتتھوا"، مفاهیم زیادی را همراه مفهوم مرگ در نظر می‌آورد. از سوی دیگر بنا به نص صریح قرآن کریم، اصولاً به شهیدان به‌عنوان مردگان نمی‌نگرد؛ شهید زنده‌تر از کسی است که به زیارت قبر او آمده است.

آنچه به اجمال گفته شد باید به‌صورت روشن و بی‌ابهام دلیل فضای سرشار از رنگهای خالص و رقص شادمانه نقش و نگارهای اسلامی را در متن کار بنمایاند. به اعقاد حقیر، اکثر قریب بانفاق زیارتگاه‌های مذهبی و آرامگاه‌های عارفان سرشار از یک فضای خیرمٔ معنوی هستند. کثافی است کمی به زیارتگاه‌هایی که تا کنون رفته‌ایم ببینیم؛ نور و رنگ در این‌گونه فضاها و بناها شدیدتر از خانه زندگان به‌کار گرفته شده است.

در طرح بنای یادید همچنین از رنگ سرخ به صورت سرنوشت‌سازی استفاده شده است. در حقیقت نه تنها بدین‌وسیله به صورت کنشایی به مسأله شهادت اشاره شده، بلکه رنگ سرخ در کنار رنگ خاکستری بترمی و رنگ غمی گرم آجرها در خدمت القای یک فضای معنوی و مملو از حیات است.

در ساختن آرامگاهها و زیارتگاه‌ها، طراح در معرض فشار شدیدی برای رجوع به سنت‌هاست و این فشار تا آن اندازه شدید است که گاه آدابینه و بیان آنآکروبیستی و غیر منطقی یا بیان روزه را به او تحمیل می‌نمایند. فشاری که اشاره کردم لزوماً از سوی سفارش‌دهنده نیست بلکه فضای فرهنگی چنین فشاری را وارد می‌سازد. در گفتن‌های موجود معمارانه در کشور، این مسئله در قالب برخورد سنت یا مدرنیته متبلور می‌شود. انتخاب سنت یا مدرنیته؟ تا آنجا که بنده یاد دارم این دو واژه نه تنها در معماری که در همه مسائل عصر ما همواره با هم در تقابل بوده‌اند. در تبارشناسی موضوع تا صدقویه نیز می‌توان به عقب بازگشت. اصطلاح فرنگی‌سازی، ظاهراً خیلی قدیمی‌تر از قاجاریه و زندیه به‌کار رفته است. ما نقاش "برهنه‌ساز" در دوران صفویه داریم که به تقلید ناآشپانه از برهنه‌های غرب پرداخته است. البته اوج این آلدیشه در دوران قاجار به ویژه دوران ناصرالدین شاه به بعد است. روش‌های گوناگونی در برابر تقابل دو مفهوم (سنت و مدرنیته) اتخاذ شده است. عده‌ای تقلید کامل را چاره دانسته‌اند، گروهی به التقاط رو کرده‌اند، عده‌ای برگشت به فزون سابق، بعضی نیز گاهی سنت و گاه روش‌های مدرن را برگزیده‌اند و بعضی نیز گاهی این را عمل کرده‌اند و گاه آن را این التقاط ادامه داشته است. در عمارت شمس‌العماره که با نگاهی به عالی‌قاپوی اصفهان ساخته شده، به ستون‌های ریخته شده از چدن بر می‌خورید که گویی از ایستگاه‌های راه‌آهن قرن جدیدم فرانسه گرفته‌برداری شده‌اند. ساختمان شمس‌العماره ساختمان نژدید است. هم تأثیرات معماری پاریس و مسکو و لندن و هم وجهیای دوران پرشکوه صفویه را در آن می‌توان دید. در زمان پهلوی اول، یک نگاه به معماری فاشیستی آلمان است و نگاهی دیگر به معماری پرچیته قبل از اسلام. رژیم شبه مدرنیستی رضاشان مصمم بود که دوران اسلامی را در پرازنتر بگذارد. در زمان پهلوی دوم هر نوع تردید و دودلی از بین می‌رود: تسلیم کامل در مقابل معیارهای مدرنیستی غرب. گرچه این تناقض در جامعه ادامه می‌یابد و عده‌ای نجات را در بازگشت به نمادها و نسبت‌های گذشته می‌دانند و عده‌ای از سر تا پا فرنگی گشتن، ولی به‌هرحال ساختمان‌های بزرگ اسیر منطق معماری مدرن هستند. هر چند آنچه در کشور ما پیاده می‌شود کاریکار توری از ایسن معماری است. خلوص‌گرای، وحدت‌گرای، نقی منفی از توتینات، ترس از فرینگی در ساختمان، ترس از رنگ و روی آوردن به رنگ‌های ترکیبی بی‌رمد(در مقابل رنگ‌های شاد ساختمان‌ها و لباس‌های بومی که از ویژگی‌های معماری محلی و بومی است)ترس از آفل بودن و الگ عقب‌ماندگی خوردن، دست و ذهن معمار را سانسور می‌کند. در این چارچوب فکری، اثری منطقی است که هیچ اشاره‌ای به گذشته نداشته باشد.

از سوی دیگر، معماران سنتی ضمن اجتناب در استفاده از مصالح نو مثل تیر آهن و بتون آرمه، سعی در احیای فضا‌هایی دارند که حال و هوای دوره قاجاریه را ندای نمایند. غافل از آن‌که یکی از رازهای موفقیت معماران بزرگ گذشته راه آمدن با مصالح و طبیعت تکنیک‌های نو در هر زمان است. اگر ما آجر را در ساختمان خوب به کار می‌بریم به دلیل آن است که زبان آن را به خوبی درک می‌کنیم و احساس درونی نسبت به آن داریم. با طبیعت این ماده کنار آمده‌ایم و در طول هزاران سال در چرخه عمل آوردن گل رس، قالب‌زنی، پخت و به‌کارگیری آن، زبان شاعرانه و قابلیت بیانکش را برای بیان آنچه باید گفته شود کشف کرده‌ایم. این‌جا بحث از یک بیان شخصی نیست و باید به‌طورکلی گفت بیان معماری اسلامی – ایرانی ما یک بیان شخصی نیست. میدان نقش جهان، مسجد، جامع اصفهان و مسجد کبود تبریز، پیش از آن‌که بیانگر زبان محدود شخص معمار و طراح باشند، بیانگر حسایی در مایورای

شخصیت فردی هنرمند هستند و این حقایق تنها با فای هنرمند امکان بروز و بقا می‌یابد. طراح بنای مزار یادبود شهدا می‌اندیشید که آیا می‌توان در بتون نیز بیانی شاعرانه و معنوی کشف کرد؟ آیا بتون و آهن نیز می‌توانند چون آجر افشاگرانه زبان باز نمایند و به‌عنوان مصالح دنیای جدید چون فلش به دنیایی عمیق‌تر، شادمانه‌تر، خرم‌تر و معنوی‌تر از ظاهر آشفته دنیای امروز اشاره کنند؟

کارگردن با ماده سرسخت بتونی و رام کردن و رام شدن توسط آن، در کنار زبان غیرشخصی که انکشاف می‌یافت، طراح را از اسیر شدن به احساسات سطحی و نوستالژیک نجات می‌داد.

در دو دهه اخیر، پست‌مدرنیسم زلزله‌ای در معماری ایجاد کرده است. گرچه برداشت معماران از پست‌مدرنیسم در سراسر جهان و در فرهنگ‌های مختلف یکی نبوده است، ولی حداقل اثر مشترک آن در میان معماران، در هم شکستن روایت‌های ظاهرآً تردیدناپذیر معماری مدرن بود.

در سال ۱۳۳۰ در سنگاپور آسمانخراش شیشه‌ای را دیدم که روی ستون‌های دوریک‌انوعی از ستون‌های کلاسیک یونان باستان(قرار گرفته بود. این کنار در چهار دهه پیش یک ارتداد در معماری مدرن به حساب می‌آمد و امروز جدی و شوخی، سرستون‌های معبد پانتئون، یک آسمانخراش شیشه آنتار “میسی وان در رو” را حمل می‌کرد. وحدت و خلوص و شدیت آتشی‌ناپذیرانه با هر ترین و مخالفت با هر جویبانی که یادآور تاریخ و با تاریخ معماری باشند در هم فرو ریخته و پست‌مدرنیسم فضای مه‌آلوده‌ای را ایجاد کرده است که امکان استفاده از هر چیز و از هر سلیقه و هر تزیینی و هر اصلی را به معماران می‌بخشد. طبیعی است که انتظار آشفتنگی داشته باشیم. ولی به اعتقاد حقیر، با توجه به حاکمیت مستبدانه معیارهای زیباشناسانه معماری مدرن در طول چند دهه اخیر، در کشورهای نزدیک و جهان سوم، از یک نظر پست‌مدرنیسم روزنه‌ای برای وارد شدن هوای تازه بود. البته به شاگردی از این روزنه و با بهتر بگویم پنجره گشوده شده گردوغبار نیز وارد می‌شود. چون شالوده‌شکنی فقط معطوف به شکستن پایه‌های پروژه‌های مدرنیته نبوده، بلکه شالوده‌شکنی می‌تواند به ویرانگری همه بنیان‌های اخلاقی و معیارهای ارزشی و دستگامه‌های فکری و ملی بپردازد. ولی گشودگی یا انسداد این پنجره بخشی از مسیر تحولات است و در کنترل ما نیست. ما تنها می‌توانیم هشیارانه با این رویداد روبه‌رو شویم. اگر حتی از سیاست و اخلاق بگذریم، در معماری چنین امکانی بدون اختیار ما گشوده شده است. برای همین، ساختمان‌هایی را در کشور می‌بینیم که با استفاده از جزئیات معماری عهد بوق اروپایی رنگ و بوی متعفن اشرافی‌گری دوران لوتی شانزدهم را در تهران و شهرهای بزرگ زنده می‌کنند. در عین حال برای معماران و طراحان، ایجاد ارتباط با معماری عبیق سنتی نیز راحت شده است. قریه‌سازی دیگر ابری واپس‌گرایانه نیست، استفاده از قوس نشان اهل بودن نیست و بحث در مورد هنر معنوی و هنر قدسی علامت زوال و عقب‌ماندگی محسوب نمی‌شود. طراح بنای یادبود شهدا از فضایی راحتی که در این زمینه ایجاد شده بود استفاده کرد. مقرنس‌کاری و رسمی‌بندگی قوس گنبدها، همچون جزئیاتی مؤثر برای ایجاد ندامت‌های تاریخی و عمق بخشیدن به اثر، به‌کار گرفته شد. در عین حال سعی کردم تا حد ممکن دچار سائنی‌مانتالیسم نشوم و با دید آنآکرونیستی بر کاظم مسلط نشود. سعی کردم در حد ممکن طراحی اثر همگام با زمانه باشد.(البته نه مطابق مد زمانه که بلکه متعلق به حال و هوای جدی روزگار). در دو دهه اخیر بارها از خود سؤال کرده‌ام چرا باید سنت و نوگرایی چون دو مفهومی ادرک شوند که دارای تقابلی جاودانه‌ای هستند و چرا این تقابل را ما پشت سر نگذاریم؟

حاصل کار هرچه هست، پشادوری دائری است که بر سر قیور مظهر شهدا می‌آید، آن را یک زیارت معنوی تلقی می‌کنند و وسیله‌ای برای قسرب به حضرت حق می‌دانند. به خوبی می‌دانم که این نگاه نوزایی و کجپایی بسیاری از نقص‌ها و زشش‌ها را با قدرت معنوی خود به کمال و زیبایی تبدیل خواهد کرد و این توفیق بوده است که طراح با تمام وجود شاکر آن است.

میرحسین موسوی

گزارش معماری بنای یادبود شهدای هفتم تیر

چندی است که اغلب مهندسان و طراحان، از پرداختن به معماری سنتی و اسلامیمان غافل مانده‌اند و معماری امروز، نتوانسته به‌خوبی از فضا و ارزش‌های معماری سنتی‌مان استفاده مطلوب نماید. اما بنای یادبود شهدای هفتم تیر بنا به ضرورت زمانه توانسته با تکیه بر ارزش‌ها و قابلیت‌های معماری سنتی و بهره‌گیری از مصالح و امکانات فنی پیوندی عمیق با معماری اصیل ایرانی ایجاد کند و نشان دهد که می‌توان با ادغام هنر سنتی و مدرن حرفی نو و راهی تازه همراه با چشم‌اندازی زیبا در معماری سنتی و اسلامیمان گشود.

این بنا در سال ۱۳۷۵ در زمینی به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع بر روی قبور شهدای هفتم تیر و هشتم شهریور واقع در ضلع جنوب شرقی بهشت زهرای تهران احداث گردید. عملیات اجرایی این مجموعه از سال ۷۱ تا ۱۳۷۵ به همت مهندسان و متخصصان “شرکت جهاد توسعه سیلواها” و نظارت مهندسین مشاور “پارس گستره” انجام پذیرفت و در طی این مدت گروه‌های متعددی اعم از کارشناسان فن و سنتی و کارگران زحمت‌کش در بخش‌های مختلف مانند: سازه، تأسیسات، سفت‌کاری، نازک‌کاری، تزیینات و… مشغول انجام کار بوده‌اند.

محاسبات دقیق، زیرساخت‌های اساسی، اجرای دقیق رسمی‌بندی‌ها، طاق‌ها و قوس‌ها، گنبدهای بتونی و ترکیب آنها با کاشی‌های الوان و آجر از ویژگی‌های برجسته و حائز اهمیت این بناست که در نوع خود کم‌نظیر می‌باشد.

به‌دلیل واقع شدن بنا در میان گلستان قبور شهدا، ارتباط این بنا با محیط پیرامون از اهمیت خاصی برخوردار است لذا، ورودی‌ها در چهار جهت اصلی طراحی شده‌اند. علاوه بر آن، درها و پنجره‌های فلزی و چوبی و شبکه‌های توخالی آجری به‌خوبی توانسته‌اند این ارتباط را برقرار سازند. گنجاندن نام شهدای تهران بر روی دیوار سنگی در راهروهای ضلع شمالی شبستان اصلی نشان از قرابت و تعلق این بنا به همه شهداست و هر وجدان بیناری با دیدن این همه نام شهید، بی به مظلومیت و جان‌فشانی‌های بهترین فرزندان این مرز و بوم می‌برد.

نکته مهم در معماری، کارآمدی و ارزشمندی همه اجزای تشکیل‌دهنده در کنار همدیگر می‌باشد. اجزاء یک بنا همانقدر اهمیت دارند که کل مجموعه اهمیت دارد و هر دوی آنها در کنار هم فضای معماری را کامل می‌کنند. در این فضاها نباید غلبه و کشاکشی بین اجزای تشکیل‌دهنده، حاکم شود تا آرامش و تعادل از بین نرود. در مجموع تزیینات این بنا با بهره‌مندی از کاربردی‌ها(مقرنس و رسمی)کاشیکاری‌ها(کعبقلی و معرق)آجرکاری‌ها، سفال‌های لعاب‌دار،

پنجره‌های رنگارنگ و دره‌ای مثبت‌کاری شده بسیار زیبا، گرایش به سادگی و پرهیز از افراط داشته است. در پارهای سواره ساختمگوش و اجزای ناقص بعضی طرح‌های تزئینی در این بنا به چشم می‌خورد اما استفاده از کاشی‌های قرمز رنگ در داخل بنون در زیر گنبد اصلی از نکات ممتاز و منحصر به‌فرد این مجموعه به‌حساب می‌آید.

به هر جهت این بنا با همه تکثر و تنوع تزئینات و سطوح برجسته معماری آن توانسته تعادل و تعاملی منطقی بین سطوح حجم مختلف معماری ایجاد نماید و بیانی نو در کاربرد این مواد و مصالح ارائه نماید.

بخش اول
آماده‌سازی

پس‌ریزی

در همه ساختمان‌ها و بناهای بزرگ من‌جمله بنای شهدای هفت‌تیر بحث زیرساخت و پس‌ریزی بنا از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است زیرا ایستایی و استحکام بنا مستقیماً با زیرساخت بنا مرتبط است یعنی به هر میزان که در زیرساخت‌ها می‌بایست دقیق‌تر و از مصالح مرغوب‌تر استفاده نمایند به همان میزان استحکام، مقاومت و ایستایی بنا بیشتر می‌شود.
در احداث این بنا و زیرساخت آن محدودیت‌ها و مشکلاتی خاص وجود داشته چرا که این مجموعه بر روی قبور شهدای ۷۲ تن احداث گردیده است. برای این منظور ابتدا محل قبور شهدا مشخص و سنگ مزارها اندازه‌گیری و بر اساس آن وضعیت موجود برداشت و با نظر طراح محترم و هماهنگی مهندسین مشاور "پارس گستره" محل حفر ستون‌های اصلی و فرعی و دیوارها مشخص و محاسبات سازه نیز بر اساس گمانه‌های حفاری(طبقه‌بندی لایه‌های خاک)(انجام گرفته است. این محاسبات و آزمایش‌ها در نهایت منجر به حفر ۵۸ شمع بتونی در ترازهای ۲۰۱۱۲ متر تا ۲۰۲۴ متر در زیرزمین شده است.

عملیات گودبرداری به‌دلیل وجود قبور شهدا بوسیله دست انجام گرفته است. برای حفظ قبور شهدا ابتدا اطراف قبور را با تخته قالب‌بندی و با گچ‌ریزی حفظ کرده‌اند. بعد از حفر شمع‌ها که گاه تا لایه‌های زیرزمینی آب نیز رسیده‌اند باپستی فضای خالی حفرها آرماتوربندی و آماده برای بتون‌ریزی شود. آرماتوربندی ابتدا در خارج از حفرها روی سطح صاف زمین به‌صورت سبدهای استوانه‌ای با آرماتور ۳۳ میلی‌متری بافته شده و با جرق‌قیل به محل حفرهای اصلی انتقال و در حفرها جاگذاری شده‌اند. برای اتصال شمع به سرشمع‌ها از ریشه انتظار به ارتفاع ۱۲۰ سانتی‌متر استفاده شده و در این مرحله آرماتوربندی سرشمع‌ها انجام و ستون‌های گنبد اصلی و فرعی و راهروهای مجموعه به سرشمع‌ها متصل شده‌اند. به‌عنوان مثال ستون‌های گنبد اصلی بر روی چهار سرشمع قرار گرفته و خود این چهارشمع بر روی ۳۶ شمع بتونی به قطر یک متر قرار دارند.

قالب‌بندی

پایه و ساختار اصلی این بنا بتونی است. از زیرساخت بنا گرفته تا گنبدها و رسمی‌بندی‌ها، پایه‌ها و ستون‌های اصلی سفت‌ها همگی بتونی اجرا شده‌اند. اجرای این همه سطح مختلف و پیچیده بتونی جز با اجرای دقیق قالب‌بندی میسر نخواهد شد. از این حیث در این مجموعه قالب‌بندی با دقت خاصی انجام گرفته است.

در قالب‌بندی این بنا از دو نوع قالب مختلف استفاده شده است. برای قالب‌بندی شبکه مربع شکل سقف‌های ایوان شرقی و غربی و راهروهای شرقی و غربی منتهی به شیبستان اصلی و سقف حوضخانه در بین حیاطهای ضلع جنوبی بنااز مواد پلیمری مانند فایبرگلاس استفاده کرده‌اند.

برای سطح صاف و یکواخت ستون‌های گرد ستون‌های مستطیل شکل و همچنین لایه‌های بیرونی گنبد اصلی و گنبدهای فرعی از چوب روسی و تخته سه‌لایی استفاده شده است.

قالب گنبدها دو قسمت دارد یکی مربوط به زیر است و دیگری مربوط به روی کار. بین این دو بخش با شبکه‌ای از آرماتور پوشیده شده است. برای انجام کار ابتدا قسمت زیرین قالب روی زمین منطح و صاف با چوب ساخته شده و این قسمت به‌جای اصلی یعنی روی ساق گنبد تعیین می‌شود در مرحله دوم بخش روی قالب که به‌صورت قطری به شکل یک قاج ساخته شده‌اند به روی بخش زیرین در جای اصلی نصب و بین فضاهای خالی بتون‌ریزی می‌شود.

بتون‌ریزی

بتون ماده‌ای است که در زمان استفاده می‌د آن و نحوه استفاده از آن بایستی دقت لازم صورت گیرد تا کار هم به لحاظ استحکام و هم به لحاظ زیبایی دچار مشکل نشود در مجموعه بنای شهدای هفتم تیر از دو تپ سیمان ۴ و ۵ استفاده شده است. سیمان تپ ۵ برای پایه و شمع‌ها و سیمان تپ ۴ برای مابقی کارها مورد استفاده قرار گرفته است. عملیات بتون‌ریزی مرحله به مرحله بعد از اتمام قالب‌بندی‌ها صورت پذیرفته و میله‌های انتظار در بتونها کنار اتصال بخش‌های مختلف را بر عهده داشته‌اند. برای اینکه داخل بتن هوا وارد نشود و استحکام بتن را تحت‌الشعاع قرار ندهد. همواره از وسایل لرزاننده برقی استفاده می‌کنند این دستگاه داخل بتون شروع به لرزیدن می‌کند و این امر سبب می‌شود حباب یا هوای موجود در لایه‌ای بتونها خارج شود.

بخش دوم
فضاهای داخلی

شَیستان

شَیستان فضای بسیار وسیع، بلند و سرپوشیده‌ای است که عناصر مهم معماری اسلامی مانند گنبد، محراب و… در آن قرار دارند. این فضا مهم‌ترین بخش معماری اسلامی و نقطه عطفی برای پرداختن به کتیبه‌ها و نقش و نگارهای اسلامی است.

شَیستان اصلی بنای شهدای هفتم‌تیر فضایی است به طول ۸۰/۴۹ متر و عرض ۶۰/۹ متر و به مساحت ۴۷۸ متر مربع. ارتفاع این شَیستان از کف تا پای گنبد‌ها ۵۱۰ متر می‌باشد. در این فضای وسیع، شهدای گرانقدر حادثه هفتم تیر، شهدای هشتم شهریور و بعضی از شهدای دیگر آرمیده‌اند. این فضای نوزائی، معطر از ارواح طیبه این شهدا است.

کف‌سازی و ازاره‌های شَیستان با سنگ‌های سفید چینی سیرجان پوشیده شده است. سنگ‌های قبور شهدا نیز از همین جنس سنگ و به رنگ سفید می‌باشد. تصویر محراب و کبوتر حکاکی شده روی سنگ خور نمایی است از رهایی، عروج، شهادت و آزادیگی.

دیوارها و ستون‌های این شَیستان بزرگ با آجر ساده پوشیده شده است. کتیبه‌های قرآنی با انواع خطوط و کاشی‌کاری‌های متنوع، زیست بخش دیوارهای شَیستان است تا سطوح خالی و ساده را معنا بخشند. سقف این شَیستان با گنبد‌های کوچک و بزرگ و رسمی‌بندی‌های زیبای تنوینی پوشیده شده است.

گنبد بزرگ

گنبد به‌عنوان یک عنصر شناخته شده و برجسته که کانون توجه معماری اسلامی است معمولاً در وسط شَیستان واقع می‌شود تا زائر در زیر فضای نیاز و لایتنامی و معموی آن به راز و نیاز بپردازد. این فضای باز چنان است که گویی خود آسمانی دیگر است از هفت آسمان(الاولا)که از آن راهی است به‌سوی کمال و رمزی است از پرواز ملکوتی به عرش که این مراتب جز بر اهل معرفت مکشوف نمی‌شود.

در مجموعه بنای هفتم‌تیر شش گنبد به‌چشم می‌خورد. یک گنبد اصلی و مابقی گنبد‌های کوچک‌تر و فرعی به‌حساب می‌آیند. از شمای بیرونی ترتیب منظم گنبد‌های کوچک و قرینه نبودن آنها نسبت به گنبد اصلی بزرگ‌تر جذابیت خاصی به مجموعه بخشیده است.

به لحاظ ایستایی و استحکام، گنبد بزرگ بر روی چهار پایه و ستون اصلی بتونی به ابعاد ۱۵۱ متر با آرماتور ۳۳ تراز گرفته است. این پایه‌ها به شع‌هایی که حدود ۲۵ متر در زیر زمین فرو رفته‌اند متصل شده‌اند، تا تحمل بار این گنبد عظیم را داشته باشند. در واقع گنبد‌های کوچک و بزرگ بنا آرماتوریته‌ی‌ها و قالب‌بندی‌های زیرزمین تا انتهای گنبد‌ها صوت گرفته، به‌صورت یکپارچه از بتون در آمده‌اند از استحکام این گنبد‌ها بسیار زیاد است.

استفاده از گنبد دوپوسته در ایران سابقه تاریخی دارد برای اولین بار در جهان در سلطانیه از گنبد دو پوسته استفاده کرده‌اند این بنا مربوط به دوره ایلخانی است.

گنبد بزرگ بنای شهدای هفتم‌تیر دو پوسته مجزا از هم می‌باشد که فاصله پوش اول تا پوش دوم ۵/۳ متر و ضخامت این پوسته‌ها ۱۵ سانتی‌متر از بتون و شبکه آرماتور می‌باشد. برای اجرای این دو پوسته ابتدا پوش زیرین را قالب‌بندی و بتونریزی کرده و بعد از مقاوم شدن پوشش زیرین پوشش دوم را قالب‌بندی و از درپچه‌های مربوط بتون‌ریزی کرده و بعد از مقاوم شدن پوشش زیرین پوشش دوم را قالب‌بندی و از درپچه‌های مربوطه بتونریزی کرده‌اند. ارتفاع گنبد اصلی از تراز صفر ۳۰٫۲۲۹متر و ارتفاع رأس پوش زیرین(پوسته داخلی)۸۰٫۲۵ متر است. دانه این گنبد ۲۰/۱۱ متر و ارتفاع ساق آن ۶۰٫۵ متر است. در ساقه گنبد چهار نورگیر با پنجره‌های چوبی گرم‌چین شده یا شیشه‌های رنگارنگ به شکل دایره با قطر ۵۲ متر تعبیه شده است. علاوه بر این پنجره‌های گرد در شروع ساق گنبد دوازده روزنه دیگر به قطر ۵۰ سانتی‌متر با کاشی‌های مشبک فیروزهای طراسی شده‌اند که علاوه بر زیبایی، کنار تهویه هوا مابین دو پوسته بتونی را انجام می‌دهند و راه دسترسی به داخل پوسته نیز می‌باشند.

آمولای زیر گنبد اصلی بر خلاف مرسوم مغربن یا رسمی‌بندی نیست بلکه ترنجهای کشیده‌ای هستند که به روش معرق در داخل بتون تعبیه شده‌اند تعداد این ترنجها ۱۲ تاست که نشانه‌ای از ۱۲ امام می‌باشند. برای اجرای این ترنجها ابتدا نقوش را روی چوب پیاده نموده و نقش‌ها را از چوب در می‌آورند. در مرحله بعد چوب‌ها را مطابق نقشه روی قالب پوش زیرین گنبد می‌چاپند و روی آنها بتونریزی برای اینکه نقش‌ها خوب و سالم و سطح بتون صاف درآید داخل بتون مقداری مواد افزودنی روان‌کننده اضافه می‌کنند بعداز باز کردن قالب‌ها و محم شدن سطح بتون چوبی را از سطح بتون جداکنند و در مرحله آخر نقش‌ها را با کاشی معرق در می‌آورند و جای چوب‌ها تعبیه می‌کنند. این طرح و روش کنار برای نخستین بار است که در معماری ما در زیر گنبد، به‌کار می‌رود. رنگ قرمز(سرنجی)کاشی‌های زیر گنبد، حرکتی شعله‌آسا را به سمت نقطه مرکزی گنبد هدایت و وحدت را تداعی می‌کند.

پوشش بیرونی گنبد همای مسطح بتونی است تنها در قسمت بالایی گنبد عرفیچینی از کاشی‌های فیروزه‌ای به‌چشم می‌خورد و مابقی گنبد یکدست و از بتونی پوشیده شده است از آن آبیته‌ی‌ای گنبد که مسئله مهمی است توسط همین سطح بتونی گرفته است به‌دلیل فشردگی سطح بتونی و تزریق آن توسط پمپ دیگر نیازی به آبیته‌ی با مصالح دیگر نیست.

گنبد‌های کوچک

پنج گنبد کوچک که چهارتای آنها در ضلع شرقی گنبد اصلی و یکی از آنها در ضلع غربی گنبد اصلی واقع شده است. جلوه‌ای خاص به نمای بیرونی این بنا بخشیده‌اند. به‌نظر می‌آید طراح نگاهمی به مجموعه شاه‌ی زنده در سمرقند داشته است زیرا اینها بی‌شابهت به گنبد‌های دوره تیموری در سمرقند نیستند. این گنبدها در ادامه همان گنبدها از دوره تیموری تا صفویه می‌باشند که توسط هنرمندان ایرانی طراحی و اجرا شده‌اند.

ساق‌های بلند این گنبدها ۱۰۰۳ متر می‌باشد که چهار پنجره گرد مشبک با آجر فیروزه‌ای در آنها تعبیه شده است قطر گنبد‌های کوچک ۵ متر و ارتفاع گنبد از پای قوس ۹۰۲ متر و بلندی گنبدها از شروع ساق تا رأس گنبد ۶ متر است. بلندی این گنبدها از کف صحن تا رأس گنبد ۱۶ متر می‌باشد.

همه گنبد‌های کوچک یک پوشه و به‌صورت قالب‌بندی یکپارچه با بتون ریخته شده‌اند و از استحکام کافی برخوردارند. پوشش بیرونی گنبدها نیز بتون یکپارچه و عاری از هرگونه تزئینات می‌باشند با ضخامتی که سطح گنبدها دارند (۱۵ سانتیمتر)دیگر نیازی به آئیندنی ندارند و همین سطح بتونی کنار آئیندنی را نیز انجام می‌دهد.

راهروها

در ضلع شمالی شبستان دو راهرو قرار گرفته که برای وارد شدن به صحن بایستی از این راهروها گذشت. راهرو ضلع شرقی به‌طول ۶۵/۲۹ متر و عرض آن ۲۰/۵ و ارتفاع سقف بتونی از کف تمام شده ۸ متر است.

سقف راهرو یا شنگه‌های مربع بتونی پوشیده شده است و دیوار بیرونی یا ۵ ردیف پنجره فلزی بزرگ به عرض ۲ متر و ارتفاع ۴۰/۴ از تیرزه قوس تا کف پنجره، با فضای بیرون ارتباط برقرار می‌کند. وجود دو پنجره کوچک‌تر به ایعاد ۷/۳ متر بلندی و عرض ۸۵ سانتیمتر کمک بیشتری به وسعت فضای داخلی می‌نماید. لچکی‌های این پنجره‌ها با نقش گره و ترکیب کاشی و آجر است. قاب‌های این پنجره‌ها نیز به رنگ سبز و قرمز انتخاب شده که علاوه بر نمادی بودن این رنگ‌ها موجب هماهنگی بین رنگ‌های کاشی و سطوح مختلف معماری گشته است.

در قسمت بالای پنجره‌ها قاب‌بندی‌هایی به‌طول ۱۶۷ × ۷۴ متر برای نوشتن کتیبه‌ها و آیات قرآنی یا مضامین شهادت و جنگ طراحی شده که با خط ثلث به‌صورت برجسته به رنگ‌های لاجوردی و فیروزه‌ای نوشته شده‌اند.

کف راهروها ۶۰ سانتیمتر از صحن اصلی بالاتر است و با پنج دهانه قوس دار بزرگ با پله‌های سنگی به صحن اصلی ارتباط برقرار می‌کند.

روی دیوار سنگی سفید ضلع غربی راهرو شمالی اسامی شهدای تهران از سال ۵۷ تا ۳۳ حکاکی شده است. این منظره، سندی افتخارآمیز و بی‌انگه اوج عظمت و رشادت ملت بزرگ ایران است.

ستون‌ها

دو نوع ستون در این بنا به‌کار رفته است. ستون‌های گرد که در ایوان‌های خارجی مسجد به‌کار رفته‌اند و ستون‌هایی که مربع بنا مستطیل‌شکل هستند و داخل شبستان به‌کار رفته‌اند. ستون‌ها که بخشی از بار اصلی بنا را تحمل می‌کنند همواره در معماری اسلامی مورد نظر بوده‌اند. در شبستان اصلی سطح تمام‌شده ستون‌ها به ابعاد ۵۰/۱۵۷۵/۱ سانتیمتر یا ارتفاع ۱۰ متر ساخته شده‌اند. دو طرف ستون‌ها در بالا و پایین شمشه‌هایی ایجاد شده که در ششمه بالا نام جلاله‌الله چهار بار تکرار و در ششمه پایین نام مبارک امام علی(ع)چهار بار تکرار شده است. طرفین دیگر ستون‌ها در قسمت وسط شبکه آجری توخالی قرار داده شده که داخل ستون‌ها و محل تهویه و تأسیسات می‌باشد.

این ستون‌ها با سه ردیف آجر پریده شده و بیرون آمده و با یک سنگ قرمز ایزار خورده به نوس‌ها متصل شده‌اند.

پنجره‌های فلزی

بنای شهدای هفتم تیر به دلیل واقع شدن در بین قبور شهدا از پنجره‌های زیادی بهره برده است. وجود ۳۳ پنجره کوچک و بزرگ در شبستان، فضای داخلی را دلنوازتر و روشن‌تر ساخته است. قاب پنجره‌ها به رنگ قرمز و سبز است. این پنجره‌ها بسیار ساده و عاری از هرگونه تزئین هستند. تنها پنجره‌های ضلع غربی و شرقی از بیرون با شبکه‌های تو خالی آجری به شکل شش ضلعی پوشیده شده‌اند.

درهای چوبی و فلزی

بنای شهدای هفتم تیر دارای پنج در اصلی است که دو در ورودی ضلع غربی و شرقی تماماً چوبی و سه در دیگر ضلع شمالی و جنوبی تماماً یا فلز ساخته شده است(البته بیشتر رفت و آمدها از درهای چوبی صورت می‌گیرد). در اصلی بنا چوبی و در ضلع شرقی واقع شده است. این در سه عرض ۲۷/۲ و ارتفاع ۰/۲۵ و بلندی در تا پای قوس ۱۵/۳ متر است. قسمت بالای در با شیشه‌ای رنگی گره‌چینی شده است. در ساخت این درها از بهترین و مقاوم‌ترین چوب‌های طبیعی ایران مانند سرخه‌دان، گزوف، آزاد و… استفاده شده است. این دو در رو دارد و دارای دو لنگه متحرک است و حدود ۵۲۰۰ قطعه چوب در حاشیه آن به‌کار رفته است. در بالای در از طرف بیرون آبه مبارک دو لا تحسین (لایین قنلر فی سبیل الله امواته) نصب شده است.

رسمی‌بندی‌ها

رسمی‌بندی‌ها که فضای بین گنبد‌های کوچک و ستون‌ها را پوشانده‌اند از پای قوس شروع و تا ساقه گنبد ادامه می‌یابند. این رسمی‌بندی‌ها با بتونی یکپارچه ریخته شده‌اند. داخل آلت‌های رسمی یا حاشیه‌ای از کاشی قرمز سرتجی و آجر ساده پوشیده شده. در بعضی از آلت‌ها آجرها به‌مسورت خفته و راسته کنار شده‌اند و در مرکز سوسنیتها شمشه‌ای با حاشیه برجسته تعبیه شده است.

در این شمشه‌ها، اسماء الهی و نام‌های مبارک ائمه اطهار(علیهم السلام)با خط بنایی نوشته شده است.

بخش سوم
فضاهای خارجی

ایوان ورودی ضلع شمالی

در قسمت شمالی ایوان بلندی پنجم می‌خورد. دهانه این ایوان بزرگ ۶۵/۹ متر و عمق آن ۱۵/۷ متر است و تنها ایوان این بنا به سیبک قدیم می‌باشد. ارتفاع ایوان از کف تا تیزه قوس به ۳۰/۱۴ متر می‌رسد و ضخامت پوسته بتونی ۱۵ سانتیمتر می‌باشد. دیواره‌های داخلی و سقف ایوان تماماً از بتون و در کمال سادگی و عاری از هرگونه تزئینی صورت گرفته. سنگفرش ایوان به رنگ قرمز و از نوع تراورتن آفرشهر است. در پشت بغل‌های ایوان از خطوط معقلی در زمینه گره معقلی هشت بازوبندی استفاده و کلمهٔ الله در متن ششمه هشت، چهار مرتبه به‌طور برجسته تکرار شده است.

ورودی ضلع جنوبی شَیستان

این ورودی که از طریق حیاطهای روزاز ضلع جنوبی و حیاط سروشیده میانی به شَیستان و صحن اصلی ارتباط برقرار می‌کند با یک در بزرگ و دو پنجره کوچک در طرفین تقریباً در وسط شَیستان و در راستای کند بزرگ قرار گرفته. تنها عنصر تزئینی این ورودی از داخل، گره‌های هندسی با کاشی‌های آبیوان در پشت بغل‌ها و از طرف حیاط سروشیده، آبنما با نقوش اسلیمی برجسته سفالی است.

ایوان ضلع شرقی شَیستان

این ایوان بزرگ ۵۳/۷ متر عرض و ۹۰/۲۸ متر طول دارد. تراز کف این ایوان ۶۰ سانتیمتر بالاتر از کف صحن اصلی است و از طریق این ایوان بلند می‌توان به حیاطها و به داخل صحن دسترسی پیدا کرد. ۹ ستون بتونی به قطر ۶۵ سانتیمتر با کمربندی از سنگ قرمز در بالا و پایین، بنار اصلی ایوان را تحمل می‌کنند. معمولاً در اماکن مذهبی، ایوان‌ها بلندتر از سطح کل بنا و با قوس پوشیده می‌شوند. اما در اینجا سقف ایوان با شبکه‌های مربع شکل بتونی به‌صورت تخت و مسطح اجرا شده است.

ورودی اصلی ضلع شرقی شَیستان

ورودی اصلی بنا با زاویه حدود ۴۵ درجه نسبت به قبله در ضلع شرقی این ایوان واقع شده. دهانه این ورودی ۹۵/۵ متر و شورفنگی آن ۷۰/۳ متر است. سقف این ورودی پوششی از مقرنس گچی به رنگ سفید است و این تنها مقرنس به‌کار رفته در این بنا محسوب می‌شود. این مقرنس زیبا و

رسمی‌بنی‌های گچس و آجری توسط استاد علی‌اصغر شعریاف ساخته شده است. پشت بقل‌ها مزین به کاشیکازی و با نقوش اسلیمی طراحی شده‌اند. ردیف بالای ایوان پوشیده از کتیبه‌های قرآنی است. فضای بین ورودی و در چوبی با آجر ساده و قوس‌دار پوشیده شده است. در سقف این دالان کوچک به‌وسیله آجر برجسته، نام مبارک پیامبر اکرم(ص) (چهار مرتبه و در زمینه ششمه، هشت مرتبه تکرار شده است. وجود پنجره مشبک آجری بزرگ به عرض ۵۲۳ متر و با ارتفاع ۳۶۵ متر این امکان را به پهنده می‌دهد تا داخل صحن را به‌خوبی نمائشا و قرائت فاتحه نماید. فضای پشت ورودی ایوان اختصاص به بادگیر و راه پله‌ها برای دستیابی به پشت بام دارد. وجود بادگیر علاوه بر پایبندی به سنت معماری قدیم جریبان هوا را نیز مطلوب‌تر می‌نماید.

ورودی ضلع غربی

این ورودی مشابهت زیادی با ایوان ضلع شرقی دارد متنها در ابعاد کوچک‌تر و با ارتفاع کوتاه‌تر پشت به ایوان شرقی. در این ایوان چهار ستون بلند به قطر ۶۵ سانتیمتر به‌چشم می‌خورد. طول این ایوان ۷۰/۱۷ متر و عرض آن ۷ متر است. از طریق این ایوان می‌توان به داخل صحن و به حیاطها راه پیدا کرد. به علت فضای باز ایوان و نزدیکی قبور شهدا به این ایوان، هیچ‌گونه حایل و مرزی بین قبور شهدا و این بنا احساس نمی‌شود. سنگفرش ایوان ضلع شرقی و غربی از سنگ‌های قرمز آذرشهر در ابعاد ۳۰×۳۰ سانتیمتر انتخاب شده است. سقف این ایوان نیز مسطح و هم‌سطح شبستان با شبکه‌های مربع شکل بتونی پوشیده شده است. در دو طرف این ایوان یعنی در قسمت شمالی و جنوبی، دو طاق بلند برای وارد شدن به ایوان دیده می‌شود. در گوشه‌ای از این ایوان از طریق در کوچک چوبی می‌توان وارد صحن اصلی مزار شهدا شد.

در دیوار داخلی ایوان دو پنجره مشبک آجری به ابعاد ۵۳×۳۰/۱۲ متر تعبیه شده که از این روزنه‌ها داخل صحن به‌خوبی دیده می‌شود. در قسمت فوقانی دیوار داخلی ایوان کتیبه‌های قرآنی و پشت بقل‌های کاشی‌کاری شده، زیبایی خاصی به این ایوان بخشیده‌اند.

۳۲
جایگاه
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>در قسمت جنوبی بنای شهدای هفتم‌تیر، سه حیاط در امتداد هم وجود دارد، حیاط میانی که به‌صورت مسقف است و حیاط بزرگ و حیاط کوچک که روز باز هستند.</div> <div>حیاط بزرگ: این حیاط به طول ۲۳ متر و عرض ۷۰/۸ متر از سنگ قلوه‌وارودخانه کرج(به رنگ‌های طبیعی قرمز سبز و کبود با نقش گره ده تله با حاشیه‌ای به عرض ۶ سانتیمتر از سنگ تراورتن قرمز اجرا شده است.</div> <div>در ضلع شمالی این حیاط، چهار غرفه به طول ۱۵/۴ متر و عرض ۶/۱ متر دیده‌می‌شود. سطح این غرفه‌ها یک متر از کف حیاط بالاتر است و ازاده‌ها با طول یک متر و از سنگ تراورتن قرمز انتخاب شده‌اند. سقف غرفه‌ها با گچ سفید، رسمی‌بنی‌ شده و زیبایی خاصی به مجموعه بخشیده است. برای</div>

روشنایی بیشتر شبستان، دیواره داخلی این غرفه‌ها یا پنجره‌های مشبک آجری پوشیده شده است. پشت بغل‌ها با نقوش هندسی به روش معموق از تزیین کاشی با آجر ساخته شده. دیوار ضلع جنوبی این حیاط با چهار طاق بلند قوس‌دار ارتفاع مناسبی با قطعه همجوار پیدا کرده است. فضای داخلی این طاق‌ها باز و در دو طرف، دیواره آجری به عرض ۲۰/۱ متر و ارتفاع ۱۵/۳ متر و ضخامت ۳۰ سانتیمتر ساخته شده است. مابین دو دیوار، نرده‌های فلزی با نقش و گره کند دو پنج در ابعاد ۲۵/۶/۱ متر به رنگ سبز و قرمز به‌چشم می‌خورد. پشت، بغل‌ها و کتیبه‌ها به روش معرق و معقل با نقوشی هندسی از طرف داخل و خارج کاشی‌کاری شده‌اند.

حیاط کوچک: طول این حیاط حدود ۱۴ متر و عرض آن ۷/۹ متر است سنگفرش این حیاط شبیه حیاط بزرگ و با سنگ‌های قلمرو و نقش گره تشد ده اجرا شده است. در بخش شمالی این حیاط دو غرفه با دهانه ۴/۴ متر و عمق ۶/۱/۱ متر و دیگری به دهانه ۹/۲/۲ با همان عمق دیده می‌شود. دیواره داخلی با آجر مشبک پوشیده شده. سقف این غرفه‌ها با کج سفید رسمی‌بندی شده است. در یکی از غرفه‌ها، رسمی‌بندی روی یک ردیف قطارینندی سوار شده است. سنگ ازاره‌ها قرمز رنگ و با ارتفاع یک متر انتخاب شده‌اند. کتیبه‌های خط ثلث کاشی‌کاری شده در زمینه‌های آجری قرمز رنگ و پشت بغل‌های کاشی‌کاری شده جلوه زیبایی به این حیاط بخشیده‌اند.

برای راهایی به این حیاط، ورودی زیبایی در ضلع غربی به طول ۸/۲/۴ و عرض ۳/۷/۲ متر ساخته شده. پوشش سقف این ورودی رسمی شانزده و بنا آجر اجرا شده است. در چشمه وسط، نام مبارک پیامبر(ص)با خط بنایی شش بار تکرار شده است. حالتی‌بندی آلتهای رسمی بنا کاشی سمرجن صورت گرفته است و ترکیب آجرچینی این آلتها نمای زیبایی به این ورودی داده است. در دو طرف این ورودی طاق‌نماهای زیبایی به طول ۴/۰/۱ متر و ارتفاع ۸/۲/۳ متر دیده می‌شود. اطراف و فضای داخلی این طاق‌نماها باز و کف آنها ۲/۰/۱ متر از کف حیاط بالاتر می‌باشد. نقوش معقلی و کتیبه‌های کاشی‌کاری شده به خط ثلث، زینتبخش این راهرو و ورودی شده‌اند. علاوه بر این ورودی، از ایوان ضلع غربی نیز می‌توان به این حیاط وارد شد.

حیاط میانی: این حیاط به طول ۱۰/۱/۱ متر و عرض ۲/۰/۱۰ متر به‌صورت مسقف است و از طریق این حیاط میانی می‌توان وارد شبستان و صحن اصلی شد. تزئینات این حیاط در پشت بغل‌ها بر خلاف جاهای دیگر بنا، از سفال برجسته با نقوش اسلیمی است و سطح روی سفال‌ها پنبه شده است. این حیاط از قسمت وسط در ضلع شرقی و غربی با طاق بلند قوس داری به ارتفاع ۳/۱/۷ متر و دهانه ۵/۲۳ به دو حیاط کوچک و بزرگ راه پیدا می‌کند. در دو طرف این ورودی‌ها دو طاق قوس‌دار بلند به ارتفاع ۵/۳ متر با دهانه ۲/۰/۱ متر دیده می‌شود. طاق‌نمای ضلع جنوبی این حیاط با آجر مشبک و ازاره‌ها نیز به طول ۳/۰/۱ با سنگ قرمز پوشیده شده‌اند. سقف این حیاط شبکه برجسته مربع شکل بتونی به شکل ساده همانند جاهای دیگر بنا اجرا شده است. سنگفرش این حیاط در ابعاد ۶/۰/۵۳۰ به رنگ قرمز و به صورت صاف و ساده است. کف این حیاط مقداری پائین‌تر از حیاطهای بزرگ و کوچک است و در بخش میانی و مرکز حیاط حوض سنگی بزرگی دیده می‌شود.

آبنمای سنگی

استفاده از آبنمای سنگی در معماری اسلامی ایران به شکل‌های مختلف مستطیل شکل، مربع و لوزی و دایره یا کاربری‌های متفاوت مرسوم بوده و سابقه طولانی دارد. در مرکز حیاط میانی، آبنمای سنگی به قطر ۷۰٫۶۸ تعیین شده است. این آبنمای از سنگ قرمز کردستان و عمق آن ۶۶ سانتیمتر است. دیوار آبنمای مدور و از دو قوس نیم‌گرد روی هم تشکیل شده است.

این آبنمای علاوه بر استفاده برای شست و شو و وضو گرفتن، جنبه نمادین نیز دارد و جلوه زیبایی به این حیاط بخشیده است.

بخش چهارم

مواد و مصالح تزئینی

تزئیات در معماری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. از این دیدگاه، تزئیات صرفاً یک پوشش خشک و خالی نیست بلکه نقش آن، جان بخشیدن به ماده و تبدیل سطح خشن و نازبا به سطح لطیف و پر معنا است. از این‌رو تزئیات جزء لاینفک و مکمل معماری به حساب می‌آید. البته سابقه طولانی استفاده از عناصر تزئینی مختلف از قبل کاشی‌کاری، گچ‌بری، آجرکاری، کازیندی و… در معماری ایران نشان از تلاش و جدیت هنرمندان ایرانی در این زمینه داشته و دارد. در بنای شهدای هفتم تیر نیز از عناصر مختلف تزئینی استفاده شده است. این تزئیات یا نقوش هندسی(گره‌ها(نقوش گیاهی)اسلیمی و شش‌ای(خطوط مختلف نستعلیق، بنایی، ثلث و کوفی صورت گرفته‌اند.

کاشی

کاشی به‌دلیل سطح صیقلی لعابدار و تنوع رنگ پذیری‌اش از ماندگارترین و بادوام‌ترین عناصر تزئینی است که سابقه‌ای طولانی دارد و مریوسط به قبل از اسلام می‌باشد. در بنای شهدای هفتم تیر، نقوش کاشی‌کاری به دو روش معرق و متغلی انجام شده‌اند. رنگ این کاشی‌ها غالباً فیروزه‌ای و لاجوردی است اما کاشی‌های قرمز رنگ سرنخی دراین بنا آشکارا خودنمایی می‌کنند. علاوه بر این، کاشی‌هایی به رنگ‌های سبز، مشکی و سفید نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. زمینه بخش عمده‌ای از کتیبه‌های قرآنی با آجر شش‌گوش قرمز رنگ و خطوط ثلث یا کاشی‌های لاجوردی نوشته شده‌اند. کاشی‌کاری‌های این بنا معمولاً با نقوش هندسی مانند گره کند دو پنج و نقوش معقلی و خطوط بنایی ساخته شده‌اند.

آجر

کاربرد آجر در معماری اسلامی ایران در دو بخش صورت می‌گیرد؛ یکی برای نسازی و تزئین بنا و دیگری برای ساخت بنا که اصطلاحاً به آن سفت‌کاری می‌گویند. بر روی آجرهایی که برای نازک‌کاری و تزئین مورد استفاده قرار می‌گیرند کار می‌کنند یعنی یا دستگاه‌های تراش بخشی از آجر که دیده می‌شود

برش می‌خورد تا سطح آجر صاف و گوشه‌ها زاویه‌دار شوند. بعد از برش، نمای آجر را روی هم می‌سایند تا خلل و فرج آنها با گرده‌های آجر پر شود.

آجرها در ابعاد مختلف مستطیلی شکل وجود دارند. آجر استفاده شده در این بنا به ابعاد ۱۰۰×۵۱×۵۱۹ سانتیمتر است. رنگ این آجرها بهی‌رنگ و جنس آنها از خاک رس است که قابلیت تیشه خوردن دارد.

تنوع چیدمان آجرها در کنار هم بسیار زیبا است. در این بنا آجرها به صورت ساده، خفته راسته، هره‌ای و هندسی به‌کار رفته‌اند.

سفال

در بخش‌هایی از این بنا سفال‌های نقش برجسته مورد استفاده قرار گرفته است. این سفال‌ها حداقل در حرارت ۸۵۰ درجه سانتیگراد پخته شده و از نظر استحکام بسیار مقاومند. ابتدا طرح‌ها و نقش‌ها روی خشت‌های خام پیاده می‌شوند و زمانی که خشت‌ها مرطوب هستند نقش‌ها را برجسته می‌کنند و بعد از خشک شدن به کوره برده و می‌پزند. ابعاد خشت‌ها متغیر است معمولاً ابعاد ۲۰×۴۰ رایج‌تر و فراگیرتر است. کتیبه‌های کوفی ضلع غربی شبستان و پشت بعل‌های حیاط میانی با سفال نقش برجسته ساخته شده‌اند. پوشش این سفالینه‌ها پتینه‌کاری و پوشش خط کوفی لعاب فیروزه‌ای است.

سنگ

استفاده از سنگ به‌عنوان یک عنصر تزئینی سابقه طولانی دارد اما در معماری اسلامی در مقایسه با کاشی کمتر مورد استفاده قرار گرفته است و این پیدان معنا نیست که قابلیت‌های سنگ کمتر از سایر عناصر تزئینی می‌باشد. سنگ‌ها در رنگ‌ها و جنس‌های مختلف وجود دارند.

در این بنا سنگ‌ها به دو صورت به‌کار رفته‌اند؛ سنگ‌هایی که با دستگاه برش ابزار خورده‌اند و سنگ‌های که به‌صورت طبیعی و دست نخورده استفاده شده‌اند. سنگ‌های رودخانه‌ای حیاط کوچک و بزرگ به‌طور طبیعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و هیچ‌گونه برش، یا تغییری روی آنها انجام نگرفته اما سایر سنگ‌ها برش و ابزار خورده‌اند.

سنگ‌های سفید چینی به‌کار رفته در این بنا از شهرستان سیرجان و سنگ‌های قرمز تراورتن از آذرشهر و سنگ‌های لاشه از رودخانه‌های کرخ و سنگ آب‌سما از معادن شهرستان قروه تهیه شده‌اند.

ابعاد قطعات سنگ‌های به‌کار رفته مختلف است. بزرگ‌ترین قطعات سنگ یک‌پارچه مربوط به سنگ فیور شهدا و بزرگ‌ترین آنها سنگ فیور شهید آیت‌الله دکتز بهشتی در ابعاد ×××× از جنس مرمر می‌باشد. روی این سنگ نقوش ختایی و آیات قرآنی به خط ثلث حکاکی شده‌اند. لیمه‌های سنگ فیور شهدا ابزارهای گرد و نیم‌گرد خورده است.

گچ

گچ‌ها نیز متفاوت و قابلیت‌های گوناگونی دارند. طرز تهیه و آماده‌سازی گچ این امکان را می‌دهد تا کارهای مختلفی روی آنها صورت گیرد. سرعت سفت شدن و رنگ سفید گچ از نکات مهم و با ارزش گچ می‌باشد. این قابلیت سبب شده تا طاق‌ها، قوس‌ها و کاربنده‌ها به‌نحو معلومی با گچ اجرا شوند. در کاربنده‌های این بنا از گچ سفید استفاده شده است. این گچ علاوه بر زیبایی از استحکام کافی نیز برخوردار است.

اسامی شهدای افتخار دفتر حزب جمهوری اسلامی (هفتم تیر ۱۳۶۰)
 و شهدای هشتم شهریور دفتر نخست‌وزیری شهید رجایی و شهید باهنر

ردیف	نام و نام خانوادگی	سال تولد	محل تولد	میزان تحصیلات	آخرین سمت اجرایی
۱	ابراهیمیان - عباس	-	-	-	عضو حزب جمهوری اسلامی
۲	اجاروند - حسن	۱۳۲۹	تهران	دیپلم	عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی
۳	محمداسلام ازادی - علی‌اکبر	۱۳۳۱	اصفهان	حوزوی و لیسانس و دانشنامه فلسفه	استاد
۴	اسنکی - رحمان	۱۳۲۹	شهرکرد	لیسانس علوم تربیتی	نماینده مردم شهرکرد در مجلس شورای اسلامی
۵	اسفندزاده - جواد	۱۳۲۹	مشهد	دکتری مدیریت	معاونت بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی
۶	اسلامی - محمدصادق	۱۳۱۱	تهران	لیسانس	معاون پارلمانی وزارت بازرگانی
۷	آقازمانی - علی‌اصغر	۱۳۳۱	تراق محلات	فوق لیسانس حسابداری	مسئول دفتر آقای علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی
۸	محمداسلام آگری - عبدالحسین	۱۳۱۵	ساری	حوزوی	عضو هیئت‌های پنج‌بخش کشاورزی
۹	آگری - حسین	۱۳۳۳	تهران	لیسانس مهندسی	مدیرعامل بانک کشاورزی
۱۰	امین‌زاده - مهدی	۱۳۲۸	مشهد	دکتری برنامه‌ریزی اقتصادی	معاون بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی
۱۱	امینی - هادی	۱۳۳۲	تهران	مهندس مکانیک	عضو حزب جمهوری اسلامی
۱۲	بالاخر - محمود	۱۳۲۸	ازاک	دیپلم	عضو حزب جمهوری اسلامی
۱۳	بخشایش - حسن	۱۳۳۶	تهران	لیسانس	عضو حزب جمهوری اسلامی
۱۴	پاکتیزاد - سیدرضا	۱۳۲۳	یزد	حوزوی و دکترای طب	نماینده مردم یزد در مجلس شورای اسلامی
۱۵	پاکتیزاد - سیدمحمد	۱۳۱۸	یزد	دکترای اقتصاد	عضو هیئت مدیره مرکز تجوب و کاغذ
۱۶	پورولی - محمد	۱۳۳۵	تهران	لیسانس مدیریت بازرگانی	عضو حزب جمهوری اسلامی
۱۷	ترابی - رضا	۱۳۳۶	تهران	لیسانس رشته برق	عضو حزب جمهوری اسلامی
۱۸	تقریبی - محمود	۱۳۳۶	تهران	مهندس راه و ساختمان	معاون وزارت راه و ترابری

۱۹	شرافت - سیدمحمدجواد	۱۳۰۶	شوشتر	کیساس	نماینده مردم شوشتر در مجلس شورای اسلامی
۲۰	جهانبخش - عباس	۱۳۲۳	تهران	فوق لیسانس علوم اجتماعی	معاونت آموزشی سازمان بهزیستی
۲۱	چراغزاده ذرفرزی	۱۳۳۲	اهرآز	لیسانس حسابداری	نماینده مردم اهرم در مجلس شورای اسلامی
۲۲	حاجیان مقدم	۱۳۳۳	تهران	کارشناس مذبیت مهندسی	عضو حزب جمهوری اسلامی
۲۳	حسینی تائیس - شمس‌الدین	۱۳۱۲	تائیس	دکترای الهیات و معارف اسلامی	نماینده مردم تائیس در مجلس شورای اسلامی
۲۴	حسینی لواناسی - سیدمحمدباقر	۱۳۲۲	تهران	دکترای طب	نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی
۲۵	حسینی‌پوشی - محمد	۱۳۰۷	اصفهان	حوزوی و دکترای فلسفه و معقول	عضو شورای انقلاب و رئیس دیوانعالی کشور
۲۶	حجةالاسلام حسینی طباطبایی - سیدمحمدشفي	۱۳۰۷	زابل	حوزوی	نماینده مردم زابل در مجلس شورای اسلامی
۲۷	حجةالاسلام خفقی - غلامحسین	۱۳۲۰	قم	حوزوی	نماینده مردم بندر عباس در مجلس شورای اسلامی
۲۸	حجةالاسلام حیدری - محمدعلی	۱۳۱۵	قم	حوزوی (اجتهاد)	نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی
۲۹	حیدری - عباس	۱۳۲۳	شیراز	دیپلم - تکنسین مختبرات	نماینده مردم بوئنهیر در مجلس شورای اسلامی
۳۰	خوش‌زبان - محمد	۱۳۴۰	تهران	دیپلم	عضو حزب جمهوری اسلامی
۳۱	حجةالاسلام دانش - غلامرضا	۱۳۰۹	آشتیان	حوزوی و دکترای الهیات	نماینده مردم نقرش و آشتیان در مجلس شورای اسلامی
۳۲	حجةالاسلام دانش - سیدمحمدکاظم	۱۳۱۸	دزفول	حوزوی	نماینده مردم شوش و اندیشک در مجلس شورای اسلامی
۳۳	درخشان - علی	۱۳۱۹	تهران	دیپلم	مسئول امور مالی حزب جمهوری اسلامی
۳۴	دعقان - علی‌اکبر	۱۳۲۷	ترتجم	فوق دیپلم ریاضی	نماینده مردم تربت‌جام در مجلس شورای اسلامی
۳۵	دیالمه - سیدعبدالحمید	۱۳۲۲	تهران	دکترای طب	نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی
۳۶	حجةالاسلام رحیمی - سید افرالدین	۱۳۲۳	خرم‌آباد	حوزوی	نماینده مردم مای‌آرستان در مجلس شورای اسلامی

۳۷	روزجهومین - ترجمید	۱۳۳۰	تهران	لیسانس صنایع	عضویت در هیئت مدیره گروه صنعتی ملی
۳۸	رواقی - محمد	۱۳۲۸	مشهد	فوق‌لیسانس مدیریت بازرگانی	مدیرعامل شرکت فرش ایران
۳۹	سرالزاز - جواد	۱۳۳۲	تهران	لیسانس جامعه‌شناسی	عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی
۴۰	سرحدی - جواد	۱۳۱۷	سنقرکلیایی	لیسانس اقتصاد	مدیرعامل سازمان تعاون مصرف شهرووستا
۴۱	حجةالاسلام صادق - حسن	۱۳۳۵	نیشابور	حوزوی	عضو حزب جمهوری اسلامی
۴۲	سلیس جهومی - علی‌اکبر	۱۳۱۷	چهرم	لیسانس زبان انگلیسی	دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور
۴۳	شاعری - عباس	۱۳۳۲	تهران	فوق‌لیسانس مدیریت بازرگانی	معاون وزارت بازرگانی
۴۴	شهرتاری - میرنهاد	۱۳۳۳	بهشهر	لیسانس الهیات و معارف اسلامی	نماینده مردم رودباران در مجلس شورای اسلامی
۴۵	شهبازی - ایرج	۱۳۲۵	بیجار	فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی	معاون وزارت آموزش و پرورش
۴۶	حجةالاسلام صادق - قاسم	۱۳۱۵	گره بخورد	حوزوی و دکترای فقه و حقوق اسلامی	نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی
۴۷	حجةالاسلام صادق - محمدحسین	۱۳۰۲	ارستان	حوزوی	نماینده مردم رودان در مجلس شورای اسلامی
۴۸	حجةالاسلام طباطبایی‌زاد - سید نورالله	۱۳۱۹	اردستان	حوزوی	نماینده مردم اردستان در مجلس شورای اسلامی
۴۹	حجةالاسلام طیبی - محمدحسین	۱۳۱۰	اسفراین	حوزوی	نماینده مردم اسفراین در مجلس شورای اسلامی
۵۰	عیانپور - حسن	۱۳۳۳	تهران	دکترای برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم‌های انرژی‌ا	وزیر نیرو و عضو حزب جمهوری اسلامی
۵۱	عبدالکریمی - سیدالله	۱۳۱۲	کومله انگرد	حوزوی و فوق‌لیسانس فلسفه	نماینده مردم انگرد در مجلس شورای اسلامی
۵۲	عقدهی - حسن	۱۳۲۵	رشت	دکترای اقتصاد سیاسی	معاون وزارت فرهنگ و آموزش عالی
۵۳	فلاح - علی‌اکبر	۱۳۱۹	قزوین	فوق‌دیپلم تأسیسات	دبیر دبیرستان کامران
۵۴	قیاض‌بخش - محمدعلی	۱۳۱۶	تهران	دکترای طب (جراحی)	وزیر مشاور و سرپرست سازمان بهزیستی
۵۵	حجةالاسلام قاسمی - عبدالوهاب	۱۳۱۲	سوادکوه	حوزوی	نماینده مردم ساری در مجلس شورای اسلامی

۵۶	فتدی - محمود	۱۳۳۳	تهران	حوزوی و دکتری برق و الکترونیک	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۵۷	حجةالاسلام کریمی - عبدالملک	۱۳۱۱	نوشهر	حوزوی	نماینده مردم نوشهر در مجلس شورای اسلامی
۵۸	کلانتری - موسوی	۱۳۲۷	مرند	فوق‌لیسانس راه و ساختمان	وزیر راه و ترابری
۵۹	مالکی - حبیب‌الله	۱۳۳۴	تهران	دیپلم	فرماندار ابرشهر
۶۰	مالکی - جواد	۱۳۱۵	تهران	فوق‌دیپلم	عضو شورای مرکزی حزب جمهوری
۶۱	مجدیدی - علی‌محمد	۱۳۲۵	-	مهندس راه و ساختمان	مشاور عمران وزارت کشور
۶۲	محمدعقیق - محمدحسین	۱۳۳۰	قم	دیپلم	کارمند مجلس شورای اسلامی
۶۳	محمدی - فلاعلی	۱۳۲۷	تبریز	مهندس مکانیک	معاون راه و تعاون وزارت کار
۶۴	معیری - هاشم	۱۳۰۹	تبریز	دکترای طب	معاونت امور درمان وزارت بهداشت
۶۵	حجةالاسلام منتظری - محمد	۱۳۳۳	نخساآباد اسفهان	حوزوی	نماینده مردم نجف‌آباد در مجلس شورای اسلامی
۶۶	حجةالاسلام موسوی - سیدکاظم	۱۳۱۴	میانی شاهرود	حوزوی فوق‌لیسانس زبان‌دانیات عرب	معاون وزارت آموزش و پرورش
۶۷	حجةالاسلام موسوی‌فر - سیدمحمد	۱۳۳۷	تیشاور	حوزوی	عضو حزب جمهوری اسلامی
۶۸	مولاوی - محسن	۱۳۳۹	تهران	دیپلم	عضو حزب جمهوری اسلامی
۶۹	مهناجی - حبیب‌الله	۱۳۲۹	تهران	فوق‌لیسانس مدیریت بازرگانی	معاون پارلمانی و هماهنگی وزارت کار
۷۰	مهدی‌زاده - حبیب‌الله	۱۳۳۰	تبریز	لیسانس مدیریت و اقتصاد	عضو جهاد سازندگی
۷۱	ناشنورتوی - عباسعلی	۱۳۱۴	تور	حوزوی	نماینده مردم تور در مجلس شورای اسلامی
۷۲	نفسری لاری - مهدی	۱۳۱۲	سیرجان	فوق‌دیپلم	نماینده مردم لارستان در مجلس شورای اسلامی
۷۳	حجةالاسلام دانش‌سنجایی - علی	۱۲۹۰	سنجان اراک	حوزوی (انجمن)	نماینده مردم اراک در مجلس شورای اسلامی

اطلاعات مندرج در این قسمت از گزارش، از روزنامه جمهوری اسلامی مورخ سوم تیرماه لغایت یازدهم تیرماه سال ۱۳۲۷ استخراج شده است.

